اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و بیست و پنجم)

هوش قرآنی (بخش ۱)

قرآن طریقت و لایف استایلی را برای زندگی ما انسانها ارائه داده است که در هیچ مقطعی از تاریخ نمونه نداشته است و نخواهد داشت. کلماتی که قرآن ارائه میدهد، از طرف رب العالمین است و یک مسلمان واقعی دل به آن می بندد و تسلیم گفتار آن میشود. وقتی بدانیم که کلمات قرآن حرف به حرف از طرف خداست، آنوقت نوشته های دیگر را در کنار قرآن قرار نمی دهیم و مبنا و اساس زندگی خویش را بر قرآن قرار میدهیم.

به امید خدا آیاتی در این مورد از قرآن بررسی میشود تا بوسیله این آیات بتوانیم سبک درستی از زندگی را انتخاب کنیم. سبکی از زندگی که نیاز به پزشک و داروهای شیمیایی را به حداقلِ حداقل میرساند. اکثر انسانها از نظر معنوی یتیم شده اند. آنان پرخوری، خریدهای اضافی و الکی، زیاده روی در تفریحات و ولگردی در وبگردی و زیاده روی در آن و خیلی عادات غلط دیگر را به عنوان سبک زندگی برگزیده اند که البته همگی اشتباه است. انسانها آنقدر از نظر هوش معنوی یتیم شده اند که گاهی

هوش مصنوعی از بعضی جهات بهتر از انسان عمل میکند. همین حالا اگر از هوش مصنوعی بپرسید که نظرت راجع به زیاده روی در وبگردی و پرخوری چیست، نصیحتهایی که میداند را به شما میگوید و توصیه به عدم افراط و تفریط میکند! اما انسانها کم کم به سمت ایجاد جحیم و سعیر (عدم ثبات احساسی و فکری) خواهند رفت و پایداری و استقامت فکری و ثبات احساسی خویش را از دست میدهند و به همین خاطر در آینده مجبور خواهند شد که بعضی تصمیمات و نتایج را به هوش مصنوعی بسپارند. این تغییرات طوری مداوم و آهسته پیش میرود که بشر در نگاه اول خودش متوجه نیست که چی به سر خویش آورده است. ما زمانی خیلی از شماره تلفنهای آشنایان و خانواده را حفظ بودیم ولی حالا حتی شاید شماره خودمان را هم حفظ نباشیم. زمانی خواهد آمد که آدمیان به علت تزلزل فکری و احساسی قادر به اخذ تصمیمات درستی نخواهند بود و آن موقع از هوش مصنوعی کمک می گیرند. روز شکست انسان زمانی است که از ساخته دست خود عقب مانده تر شود.

آن موقع تنها روش برای قوامیت بخشیدن به تفکرات و کنترل احساسات افراطی و عصیانگر، دستورات و نکات قرآنی خواهد بود. قرآن تابحال میان ملل مسلمان کامل و بدرستی معرفی نشده است. اگر اهمیت استفاده از قرآن تابحال مثلا ده درصد بوده باشد؛ از این به بعد، اهمیت و لزوم استفاده از آن نود درصد است و بشر مجبور است که از دستورات آن استفاده کند و گرنه نابود خواهد شد.

۱)درمان بیماری ایوب:

آیه ای که در مورد درمان بیماری ایوب آمده است، چنان پر معناست که به جرات میتوان گفت که تمام دستورات پزشکی حکیمانه در آن موجود است. قبل از خواندن این بخش، این قسمت و سایر قسمتهای مربوط به درمان بیماری از مجموعه مقالات جادوی شیاطین را حتما مطالعه کنید.

بشر با بکارگیری این چند آیه، از تصنعات پزشکی بی نیاز خواهد شد و هزینه های زیادی از زندگی خویش را کاهش خواهد داد و در نتیجه بار زندگی در روی زمین برایش سبکتر خواهد شد. خدای رب العالمین برای درمان بیماری ایوب، به او می فرماید:

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿۴۲﴾

[به او گفتیم] با پای خود [به زمین] بکوب اینك این چشمه ساری است سرد و آشامیدنی (۴۲)

ترجمه بالایی از سایت پارس قرآن (parsquran)گرفته شده است. این ترجمه و سایر ترجمه های موجود از قرآن، نمی توانند معنای کامل آیه را برای ما توضیح دهند. در این مواقع، تنها متن عربی قرآن که کلمات نازل شده از طرف رب العالمین است میتواند راهنما و رهگشا باشد. به همین خاطر کلمه به کلمه عربی این آیه را مورد بررسی خواهیم داد تا متوجه کنه و بطن آیه شویم.

۱	ارْكُضْ	بزن- بتاز – تحرک داشته باش – راه بینداز- شروع کن – تحریک کن – جریان بدن را زیادتر کن
۲	بِرِجْلِكَ	پا – پایه های انسان – توانایی های اولیه
۳	هَذَا	این – چیزی که نزدیک و در دسترس تو است
۴	مُغْتَسَلٌ	تماس پوستی و جلدی و مغناطیسی
۵	بَارِدٌ	سردی – سرما – طبع سرد – دل خوش نکردن - دل خوش نکردن به دنیا و امورات آن
۶	وَشَرَابٌ	و خوردنیهای به شکل مایع

مُغْتَسَلٌ : مغتسل شدن با طبیعتی که در آن هستید، یعنی طوری با طبیعت و نظام رحمانی تماس برقرار کنید که آن را حس کنید. مثلا در زمستان باید سرما به بدن شما برسد طوریکه بدن شما لرز کند. متاسفانه مردم همیشه بغل بخاری می نشینند و نمی گذارند بدنشان سرما را حس کند. لرز کردن یک جنبه جسمانی دارد که در حالت مغتسل شدن با نظام رحمانی شکل میگیرد و اما جنبه روانی آن مربوط به درک قلبی آیات قرآن و آیات طبیعت است. قرآن کتابی است که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند می‌افتد و پوست آنان تحت تاثیر قرار می گیرد؛ سپس پوست و قلبشان نرم میشود و به ذکر خدای عالمیان متمایل می‌شوند. در آیه زیر این مورد بیان شده است و کلمات پوست، لرزش، قلب، نرم شدن پوست

و قلب در آن برجسته است. پوست محل تبادل سرما و گرما و تماس با نظام طبیعت رحمانی است.

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿۲۳﴾

خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه متضمن وعد و وعید نازل کرده است آنان که از پروردگارشان می هراسند پوست بدنشان از آن به لرزه می افتد سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می گردد این است هدایت خدا هر که را بخواهد به آن راه نماید و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست (۲۳)

این آیه خیلی مهم می فرماید که (تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ **) یعنی پوست کسانی که از پروردگارشان خشیت دارند و از او می ترسند، تحت تاثیر قرار می گیرد.**

بِرِجْلِكَ هَذَا: **هذا در این آیه یعنی ای ایوب با امکاناتی که در اختیارت است و در محیط زندگیت وجود دارد، درمان را شروع کن.** هَذَا **در عربی به نزدیک اشاره دارد. اما ذلک و تلک به دور اشاره دارند. بنابراین درمان هر کسی در همان محیط در دسترسش و با توجه به امکانات موجود فرد، جوابگو است. فقیر با امکانات و محیط خود و ثروتمند هم با امکانات و محیط خویش. در روشهای درمان بیماری، تقلید و تعمیم و کپی بی معناست.**

خدای مهربان در این آیه از رِجْلِ صحبت فرموده است. رجل (پا) یعنی امکانات پایه ای بدن انسان. اما دست (ید) یعنی امکانات جانبی و کمکی و یدکی. خدای مهربان برای درمان بیماری ایوب، از رجل صحبت می فرماید. یعنی مهمترین نکته در درمان بیماری، تحریک توانایی های پایه ای و مبنایی خود بدن انسان است. در ضمن در اول آیه از فعل امر ارکض استفاده فرموده است. وقتی خدا از فعل امر استفاده می نماید یعنی اجرا کردنش مجبوری است و در آن مورد هیچ راه حل مناسب دیگری یافت نمیشود و اینطوری نیست که دل بخواهی باشد. بنابراین در درمان بیماری، نباید تقلید کرد، هرکس با توجه توانایی های پایه ای و مالي خودش، روش خودش را دارد.

اما بعضی انسانها بر طبقه فلسفه کلمه هذا (روش نزدیک) در این آیه عمل نمی کنند و از روشهای درمانی ثروتمندان (روشهای دور که برای آنان فراهم نیست) و در دسترس آنان نیست، تقلید میکنند و مسائل مالي و مشکلات دیگری را برای خود بوجود می آورند. آنان کلمه هذا را به تلک و ذالک تبدیل میکنند و روشهای غلط را به کار می گیرند و هزینه های خارج از توان خویش را به خود تحمیل میکنند. از همینجاست که در شغلهای مربوط به درمان، زیرمیزی گرفتن ها رایج شد و از نیازهای مصنوعی انسانها سوء استفاده میشود. هر جا علنا زیرمیزی و رشوه گرفته شد، بدانید که کل جریان و روش آن کار مشکل دارد و بدانید که مردم راه اصلی را اشتباهی میروند. انسانها یتیم معنوی شده اند و نمی دانند که چطوری با نظام رحمانی خود را وفق دهند تا که مشکلاتشان کمتر شود.

فرآیند درمان بیماری و حل مشکلات در نظام رحمانی باید طبق دستورات خدای رحمان باشد. این روش به معای قبول کردن ربوبیت و روش تربیتی خدای عالمیان است و این روش است که عبدساز است. قرآن کتابی است که به این روش رهنمایی میکند. خاصیت دنیای فانی این است که انسان گاهگاهی بیمار میشود و حتی هدف از بیماری این است که فرد با صبر و حوصله و روشهای رحمانی خود را درمان کند تا که صفات خوبی مثل صبر و تحمل و بردباری را به خود یاد دهد وآن را کسب کند و باتجربه و آبدیده شود و زینتهای دنیای فانی از سرش بپرد. هدف از امتحان دادن این است که از قبل درس را بدرستی خوانده باشید و گرنه تقلب هم یک روش حل است ولی روش غلطی است.

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾

قطعا این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می نماید و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می کنند مژده می دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود (٩)

تَقْشَعِرُّ : **آیه دیگر که ذکر شد در مورد سیخ شدن مو و لرزش پوست صحبت می فرماید. نکته مهمی که این آیه را با آیه درمان بیماری ایوب ارتباط میدهد، همین کلمه است که مربوط به تماس با طبیعت و نظام رحمانی است. این لرزش در تماس با طبیعتی که در آن هستید بدست میاید. مثلا زمانی که طبیعت رحمانی زمستان است،**

بدن انسان باید این سرما را حس کند و با آن مغتسل شود و این اغتسال باعث لرزش و تحرک و جنب و جوش لایه پوستی و جلدی و مغناطیسی انسان خواهد شد و این خودش راز سلامتی بدن انسان است.

کلمه تَقْشَعِرُّ **معنای مهم دیگری را هم در مورد درمان بیماریهای جسمی برای ما بیان میدارد. این کلمه به معنای تحت تاثیر قرار گرفتن پوست است. مثلا شما اگر در هوای سرد بیرون روید، پوست شما انقباض و انبساط پیدا میکند و باعث تحرک داخل پوستی میشود و در سلامتی پوست موثر است. حتی احساس معنویت درونی که قلب را تحت تاثیر قرار دهد، باعث سیخ شدن مو میشود که این خودش در سلامتی پوست و مو بسیار تاثیر گذار است. یکبار دیگر این آیه مهم ذکر میشود:**

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿۲۳﴾

خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه متضمن وعد و وعید نازل کرده است آنان که از پروردگارشان می هراسند پوست بدنشان از آن به لرزه می افتد سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می گردد این است هدایت خدا هر که را بخواهد به آن راه نماید و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست (۲۳)

در این آیه، بعد از صحبت در مورد تحت تاثیر قرار گیری آیات و نظام و طبیعت رحمانی می فرماید که ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ **یعنی پوست و قلبشان نرم میشود. کلمه**

تَلِينُ در عربی به معنای نرم شدن است. مثلا شما قبل از ورزش، ابتدا باید کمی خودتان را نرم کنید و گرنه دچار گرفتگی و اسپاسم عضلانی خواهید شد. پوست و قلب انسان هم باید نرم شوند و گرنه در یک حادثه و مصیبت و بیماری ممکن است که اسپاسم عضلانی بگیرید و دچار مشکلات پوستی و یا قلبی و مشکلات سایر اعضای بدنتان شوید.

خدا بهترین حدیث را در قرآن نازل کرده است؛ کتابی هماهنگ و باثبات که به هر دو راه بهشت و دوزخ اشاره می کند. پوست کسانی که هیبت و حرمت پروردگارشان را ارج می نهند از آن منقبض می شود، سپس پوست و قلبشان برای پیام خدا نرم می شود. چنین است هدایت خدا؛ او آن را به هر که بخواهد هدایت شود، عطا می کند. و اما کسانی را که خدا به گمراهی فرستد، هیچ چیز نمی تواند آنها را هدایت کند. این آیه خیلی مهم میفرماید ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ **یعنی این هدایت خداست.**

- **تحت تاثیر آیات و نشانه های خدای رحمان قرار گرفتن تا حدی که موی پوست سیخ شود و پوست انقباض و انبساط پیدا کند :** تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ

- **بعد از این تاثیر پذیری، پوست نرم میشود و در نهایت قلب هم نرم میشود:** ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

- **مغتسل شدن با طبیعت و نظام رحمانی بر روی قلب و سایر اعضای بدن انسان تاثیر میگذارد و در آن صورت انسان از توانایی های پایه ای بدن خویش برای درمان بیماری استفاده میکند.**

بیشتر بیماریهای قلبی و پوستی، بخاطر عدم نرمش پوست و قلب پیش میاید. این نوع نرمش هم چیزی نیست که با ماساژ پوست و قلب بدست آید؛ بلکه نرمش و اثرگیری از طبیعت و آیات خدای رحمان موثرترین روش است. اگر پوست خود را با طبیعت خدای رحمان هماهنگ کنیم، در سلامت قلب ما مفید و موثر خواهد بود. پوست ما باید آفتاب بخورد، با آب سرد و گرم و طبیعی تماس پیدا کند، باید با خاک زمین تماس داشته باشیم و خاکی باشیم. اینها همگی در سلامت پوست و قلب ما مفید است.

در تابستان باید گرمای آن حس شود، طوریکه تاثیر آن بر بدن مشخص شود. مردم در تابستان همیشه زیر کولر هستند و نمی گذارند بدنشان کوچکترین تماسی با نور آفتاب و گرما داشته باشد. باید تحرک داشت، طوریکه خسته شوید. حالا دیگر مردم خسته شدن و عرق کردن را دوست ندارند و طوری کار میکنند که کوچکترین خستگی نداشته باشند و عرق نریزند. یکی بود که فرش حمل میکرد، او برای اینکه خسته نشود، هیچوقت از دست و قدرت بازوان خود برای حمل فرش استفاده نمی کرد و همیشه فرش را روی کول خود می انداخت و حمل میکرد. بعد از مدتی دیسک کمر گرفت. او برای اینکه خسته نشود و از نیروی ماهیچه های دست خود استفاده نکند، تمام وزن فرش را روی کمر خود می انداخت. بعد از مدتی مهره های کمرش

آسیب دید و دیسک کمر گرفت. اگر او برای حمل آن از دستش هم استفاده میکرد و ماهیچه های بدن خود را بکار می گرفت، فشار بیش از حد به کمر خود وارد نمی کرد و دچار دیسک کمر نمیشد. اگر چه روش دومی، خستگی می آورد و فرد عرق میکند ولی روش امن تری است. اما در روش دومی، وزن را مهره های کمر متحمل میشوند و فرد زیاد خسته نمیشود و عرق نمی ریزد ولی در عوض ستون بدنش آسیب می بیند. تمام مشکلات و بیماریهای انسان مثل دیسک کمر از این نکته ناشی میشوند که انسان نمی خواهد با نظام و طبیعت رحمانی مغتسل شود. نمیخواهد خسته شود و نفس نفس بزند، نمیخواهد تحرک داشته باشد و عرق کند. خستگی، عرق کردن، تلاش کردن، حس کردن گرمای تابستان و سرمای زمستان و ... از روشهای سالم ماندن است. از بین بردن اینها رفاه نیست و بلکه منبع و منشاء تولید بیماری است. حالا کرم ضد عرق درست کرده اند و عملا میخواهند مردم را بیمار کنند و بیش از پیش آنان را به نظام درمانی من درآوردی وابسته کنند و هزینه های زیادی را به آنان اجبار کنند. وقتی مثلا تب و لرز کنید و یا سرما بخورید و پیش بعضی مراکز درمانی بروید، روش درمانی آنان بر این اساس است که میخواهند تب و لرز و آب بینی و سایر واکنشهای طبیعی بدن را از بین ببرند و اینطوری خیال! میکنند که حال فرد را خوب کرده اند، و البته به این میگویند مشتری مداری! تب و لرز و سایر واکنشهای بدن باید جریان طبیعی خود را طی کند و اینها دفاع طبیعی بدن از خودش است. کسب رضایت ظاهری بیمار برای آنان اولویت دارد و هوش معنوی در امورات این چنین روشهای درمانی جایی ندارد. این است که به فرموده قرآن، بعضی افراد روی

ظاهر خویش راه میروند (يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ**). راه رفتن روی صورت یعنی اینکه در برخورد با مثلا بیماری فقط به خوب شدن ظاهری و سطحی (مثلا قطع تب و لرز و قطع آب بینی و ...) توجه شود. اینها نوعی مزاحمت ایجاد کردن برای بدن است و خاموش کردن نشانه های طبیعی بدن است. برای خوب شدن باید از همان روشهای طبیعی استفاده شود. استفاده از داروهای شیمیایی برای قطع تب و لرز و سایر نشانه ها، مثل استفاده از بمب است که در یک خانه بیندازی. قطعا خوب و بد را با هم از بین می برد.**

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۲۲﴾
پس آیا آن کس که نگونسار راه می پیماید هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می رود (۲۲)

مغتسل شدن با طبیعت و نظام رحمانی، حتی برای جنبه های روانی و رفتاری هم هست. همانطور که در سوره مدثر می فرماید :

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿۱﴾ ای کشیده ردای شب بر سر (۱)

قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿۲﴾ برخیز و بترسان (۲)

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ﴿۳﴾ و پروردگار خود را بزرگ دار (۳)

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿۴﴾ و لباس خويشتن را پاك كن (۴)

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿۵﴾ و از پليدى دور شو (۵)

یعنی ردا، پتو و یا هر چیز دیگری که خود را با آن پیچیده ای، کنار بگذار و وارد محیط شو و برخیز و بیدار شو و دیگران را هم بیدار کن. لباسهایت را تمیز و پاکیزه کن و از پلیدی دور شو. این آیه خیلی مهم ثابت میکند که انسان نمی تواند از رجز و پلیدی در امان بماند مادام که سر در پتو برده است و خود را وارد محیط و نظام رحمانی نکرده است.

یکی از من سوال کرد که آیا شما که این مطالب را در مورد درمان بیماری و سبک زندگی می گویید، خودت رعایت میکنید؟ در جواب بگویم که از زمانی که متوجه عمق و مفهوم آیه شدم، در حد توان خودم بله اجرا میکنم و به آن اعتقاد عمیق دارم و گرنه نمی نوشتم. من هر آنچه که به آن ایمان دارم و عمیقا درک کرده ام را می نویسم. ولی در حد توان خودم به آن عمل میکنم. من خودم تا وقتی نیاز خیلی خیلی بحرانی نداشته باشم، هیچوقت نزد پزشک نمیروم. البته من فقط اختیار خودم را دارم و نمی توانم کسی دیگر را اجبار کنم و فقط میتوانم غیر از خودم را نصیحت کنم. اما به هر حال ممکن است که افرادی باشند که بهتر از من رعایت کنند و نکات ریز تری

را مورد توجه قرار دهند. مطالبی که در مورد درمان بیماری عرض میشود، از قرآن است و از خودم نیست و هر کس دیگری هم که بخواهد در نظام رحمانی باشد، مجبور است که آن را اجرا کند. وقتی خدا به ایوب دستور می فرماید، آن را با فعل امر (ارْكُضْ) شروع میکند؛ یعنی فرمان و دستور است. چیزی که از نظر خدای حکیم، فرمان و دستور باشد، یعنی راه حل جایگزین و میانبر و راه حل دومی ندارد. دقیقا باید با همان روشی باشد که خدا می فرماید. این روشها نه فقط برای درمان بیماری جسمی است، بلکه در سلامت روان هم مطرح است. به همین خاطر خدای حکیم به پیامبر محمد در سوره مدثر و مزمل دستور میفرماید که ای جامه پیچیده به خود بیدار شو و یا ای لباس خواب پوشیده، بیدار شو. قطعا این دو نکته در سلامت روان ما هم موثر است.

آیه درمان بیماری ایوب دو قسمت است که با حرف عطف (و) از هم جدا شده اند. در قسمت اول آیه از خوردن و غذا حرفی نزده است و بلکه از امکانات پایه ای و نظام رحمانی و مغتسل شدن با نظام رحمانی صحبت فرموده است. خدای مهربان خوردن را بعد از اجرای قسمت اول قرار داده است.

قسمت اول		قسمت دوم
ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ	وَ	شَرَابٌ

در این قسمت حرفی از خوردن نیست		در درمان بیماری، اهمیت خوردن بعد از اجرای قسمت اول آیه است

رب العالمین خوردن غذاهای به صورت و شکل مایع را پیشنهاد داده است. هر نوع غذایی میتواند بصورت مایع و یا بصورت جامد مصرف شود. کسی که ناخوش است، بهتر است بصورت مایع مصرف کند تا تاثیر گذاری آن سریعتر و هضم آن راحت تر باشد. همچنین نکته دیگری از آیه ثابت میشود و آن این است که خوراک و داروهای خوراکی برای درمان بیماری در اولویت نیستند و بلکه در مرحله بعدی قرار دارند.

آیه زیر ثابت میکند که مخالفت با روشهای نظام رحمانی، عذاب آور است و مشکلات را بیشتر میکند. پیامبر ابراهیم به پدرش میگوید که شیطان را پرستش نکن زیرا شیطان نسبت به خدای رحمان عصیان کرده است.

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿۴۴﴾

پدر جان شیطان را مپرست که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است (۴۴)

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿۴۵﴾

پدر جان من می ترسم از جانب [خدای] رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی (۴۵)

منظور آیه این است که در زندگی خویش، روشهای رحمانی را استفاده کن و بنا به وسوسه شیطان، نسبت به نظام رحمانی عصیان نکن؛ که اگر عصیان کنید از جانب نظام رحمانی دچار عذاب و درد خواهی شد.

وجود مشکلات مثل بیماری و نداری و غیره از خصوصیات این دنیاست که هر کسی کم یا زیاد با آن سرو کار دارد و هیچکسی در این مورد استثناء نیست. اما در اینجا ، مهمترین نکته این است که روش مقابله و واکنش و روش حل ما برای آن چطوری باشد.

وانه هو اضحک و ابکی. و براستی اوست که میخنداند و می گریاند.

و انه هو امات و احیا. و براستی اوست که می میراند و زنده میکند.

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ﴿۴۳﴾ و هم اوست که می خنداند و می گریاند (۴۳)

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ﴿۴۴﴾ و هم اوست که می میراند و زنده می گرداند (۴۴)

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى ﴿۴۵﴾ و هم اوست که دو نوع می آفریند نر و ماده (۴۵)

ما به اشتباه فکر میکنیم که خنده ها و گریه هایمان دست خودمان است. خدای حکیم مهربان برای اینکه توجه ما را بر انگیزد، ابتدا می فرماید (و هم اوست که می خنداند و

می گریاند) **و بعد می فرماید که** (و هم اوست که می میراند و زنده می گرداند). **تقریبا تمام مردم دنیا معتقدند که مرگ و زندگی دست خداست ولی خدا در دو آیه بالایی میفرماید که با اولویت بیشتر، خنده ها و گریه ها هم دست خداست. همانطور که مرگ و زندگی دست خداست، خنده و گریه و خوشبختی هم بطور کامل دست خداست. یعنی فقط روش رحمانی میتواند خنده و گریه واقعی را فراهم کند. از هر روشی نمی توان آن را بدست آورد. از هر راهی نمیتوان بدست آورد. بیشتر جوکهایی که مردم تعریف میکنند، دارای خنده واقعی نیستند، بلکه به سخره گرفتن دیگران است. خنده های واقعی و گریه های واقعی را فقط خدا به افراد میدهد و ایجاد شدنی نیستند. مردم دیگر حالا نمی خندند و خنده ها هم مصنوعی شده است . باید کارشناس جوک بیاورند تا بطور مصنوعی و با فشار کلمات، مردم را بخنداند.**

چند نمونه خنده واقعی در قرآن هست. وقتی سلیمان حرف مورچه را گوش کرد از تعجب خندید و این یک خنده واقعی بود که از ته دل برآمد.

حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۸﴾

تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند مورچه ای [به زبان خویش] گفت ای مورچگان به خانه هایتان داخل شوید مبادا سلیمان و سپاهیانش ندیده و ندانسته شما را پایمال کنند (۱۸)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾

[سلیمان] از گفتار او دهان به خنده گشود و گفت پروردگارا در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس بگزارم و به کار شایسته ای که آن را می پسندی بپردازم و مرا به رحمت خویش در میان بندگان شایسته ات داخل کن (۱۹)

سلیمان خنده را به شکرگزاری ربط داد و این نوع خنده یک خنده واقعی بود. حتی خنده ها و گریه های واقعی هم نوعی مغتسل شدن با نظام رحمانی هستند و این هم مثل لرز کردن در سلامتی جسمی و روانی ما موثر است. وقتی آدمی یکی از نشانه های خدا را درک میکند و خوشحال میشود، این یعنی یک خنده واقعی. شاید شنیده باشید که زمانی ارشمیدس یک کار مهمی را انجام داد و بعد ناخودآگاه بلند شد و فریاد زد یافتم یافتم و به این طریق او خوشحالی و فریاد واقعی خویش را بروز داد. اما حالا فریادها و خوشحالی ها و گریه ها مصنوعی شده اند و همه اش فیلم و ادابازی هستند که در سلامتی تاثیری ندارند و حتی در وجود انسانها نفاق و دورویی ایجاد میکنند.